



من در خلق
شخصیت سعی
می‌کنم برای
آن کاراکتر
شناسنامه ایجاد
کنم که مدام از
عباس غزالی دور
شوم و بیشتر در
جلد کاراکتر مورد
نظر نفوذ کنم و
آدمی بشوم با
این شناسنامه
و خصوصیات
رفتاری که در آن
دهه بوده و او را
زندگی کنم

در آوردن شخصیتی که هم باید گاهی
القا کند که ممکن است خطرناک باشد و
هم اغلب باید نشان بدهد که قابل اعتماد
است، یک نوع بازی لب خطی و مرزی
می‌خواست، چقدر توانستید چیزهایی را
که قبل از رفتن جلوی دوربین در ذهنتان
بود پیاده کنید؟

در نقش‌هایی که قرار است مرزی داشته باشند که
به باریکی یک مو است، شما برای اینکه تماشاگر
را با بازی و خلق شخصیت همراه کنید و یا ابهامی
در ذهنش ایجاد کنید؛ باید یک مرز دوگانه را که
مشخص نیست این سمت هست یا آن سمت و یا
عنوان مرز یا مشکوک بودن را روی آن کاراکتر
بجسبایند و این مساله نیازمند ریزه کاری‌هایی در
بازیگری است و من مطمئناً خیلی تلاش کرده‌ام
که برای شخصیت فرخ این اتفاق صورت بگیرد.
هنگامی که سناریو را مطالعه کردم احساسم این
بود که در کنار همه شخصیت‌های دیگر که هر کدام
جذابیت‌های خاص خودشان را دارند، این ویژگی
که از آن برای خلق شخصیت فرخ می‌توانم استفاده
کنم، می‌تواند او را خاص‌تر و تأثیرگذارتر پیش ببرد.

وقتی یک بازیگر بخواهد به یک نقش
جلا بدهد باید فراتر از فیلمنامه قدم
بردارد، کاری که شاید خیلی از بازیگران
آن را انجام ندهند. شما چه قدم‌هایی
برداشتید؟

از ابتدا برای این کاراکتر طراحی‌هایی به لحاظ اکت،
شکل دیالوگ‌گویی، نوع نگاه‌ها، حرکت چشم،
آکسان گذاری در شکل بیان کلمات و جملات انجام
دادم و علاوه بر آن تیپ، گریم و لباس همه این‌ها
تأثیرگذار است و می‌تواند او را تکمیل کند. من روی
این موارد بسیار دقت داشتم، کمالینکه سعی کردم
مطالعه جامعی در مورد فضای آن دوره انجام دهم.
عکس بسیار دیدم و مقالاتی از اتفاقات مربوط به
آن دوره را خواندم و سعی کردم فضای ملتهب آن
دوران را درک کنم و هر چیزی که برای این کاراکتر
می‌خواستم به کار بگیرم را در آن فضای ملتهب
بگنجانم که ملموس باشد، بیرون نزد و مربوط
به آن دهه باشد. شاید به لحاظ تکنیک چیزی در
ذهن من باشد اما در آن دوره کاربردی نداشته باشد؛
به طور مثال یک عکس‌العمل و یا یک دیالوگ که
امروزی است و این باعث تناقض می‌شد و کارم را
خراب می‌کرد. به همین خاطر سعی می‌کردم از
ابزارهای مربوط به آن زمان استفاده کنم و تلاشم
بر این بود. اگر از اتفاقات درونی که سعی می‌کنم
از درون به آن برسم و در خودم ته‌نشین کنم تا
بتوانم آن را زندگی کنم بگذریم، به ظاهر می‌رسیم
که یکی از مثال‌های آن بازی با خودکار است. یادم
است پلان اول من برای بازی در این مجموعه و در
نقش فرخ، پلان مربوط به زبان منفجر شده بود که
یک خودکار بیک و چند پرونده به من داده بودند و
من باید یادداشت برداری می‌کردم. من در تمرین‌ها
از دوستان خواستم که از اینجا به بعد این خودکار
همیشه همراه شخصیت فرخ باشد، به این دلیل که
او یک شخصیت هوشمند و اهل مطالعه است و این

گفت و گو با عباس غزالی به بهانه «شاهرگ»

و درباره لذت بازی در نقش‌هایی که سیاه یا سفید محض نیست

نقش خاکستری

همیشه قلقلکم می‌دهد

گروه تلویزیون: چیزی که در همه کارها مشترک است عباس غزالی پیراثری، با انگیزه و
عاشق کار است که مطمئناً در هر شرایطی کار خودش را در چارچوب آن قصه و نقش انجام
می‌دهد؛ بازیگری که با اولین حضورش در سینما و در فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من»
خوش درخشید و در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر برای ایفای نقش در این اثر، کاندید بهترین بازیگر نقش
مکمل شد. بازی به یاد ماندنی‌اش در نقش بهروز در مجموعه موفق «وضعیت سفید» به کارگردانی حمید
نعمت‌الله، از ماندگارترین کارهای اوست که هیچوقت برای تماشاگر تکراری نمی‌شود. شخصیتی که در
زمان پخش مجموعه جای خوبی را در دل و ذهن مخاطب تلویزیون باز کرد و هنوز هم عده‌ای او را به همین
نام می‌شناسند. حال به بهانه بازی متفاوتش در نقش فرخ مجموعه «شاهرگ» با او به گفت‌وگو نشستیم
که در ادامه آن را می‌خوانید.

